

قلمرو مفهومی «سوء استفاده» از قدرت» در «معاونت در جرم»

بابک پورقهرمانی*
مظفر احمدی سربزه*

تاریخ تأیید: ؟

تاریخ دریافت: ؟

چکیده

یکی از مصادیق معاونت در جرم «سوء استفاده از قدرت» است که در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در ماده ۱۲۶ به مصادیق معاونت اضافه شده است. در لسان حقوقی منظور از «سوء استفاده از قدرت» سازمان‌ها و نهادهای رسمی است و در حقوق ایران سوء استفاده از قدرت جهت ارتکاب جرم یک وصف مجرمانه است و مصادیق آن در قانون به طور شفاف و فراگیر ذکر نگردیده است. از حقوقدانان پیرامون مفهوم سوء استفاده از قدرت تعریف قابل ذکری ارائه نشده است و اینکه مفهوم و مصادیق آن چیست در قانون به صورت دقیق مشخص نشده است، از نظر قلمرو و مدلول، با مفاهیمی مانند سوء استفاده از قدرت فیزیکی، موقعیت، مالی، ایدئولوژیکی، اقتساعی، عاطفی، جنسی و اداری قرابت معنایی دارد، با وجود قرابت معنایی و رابطه تنگاتنگ آن با مفاهیم مشابه، تمییز سوء استفاده از قدرت، با بعضی از مفاهیم مشابه عموم و خصوص مطلق است. گسترش مفهوم و مصادیق معاونت در جرم، سبب محدود شدن آزادی‌های فردی در اجتماع می‌گردد، اهمیت جرم انگاری «سوء استفاده از قدرت» از جهت حمایت کیفری از بزه‌دیدگان آن است؛ لذا هدف، بررسی قلمرو مفهومی سوء استفاده از قدرت و مصادیق آن در سنجه بزه دیدگی است، روش تحقیق؛ توصیفی تحلیلی است یافته‌ها و نتایج، نشان می‌دهد که «سوء استفاده از قدرت» همان نفوذ معنوی فرد بر دیگران است و دربرگیرنده هر قدرتی است که بر فرد مسلط است، مبنای قدرت، فقط سیاسی نیست بلکه ناشی از رابطه کاری، رابطه خویشاوندی و... است.

واژگان کلیدی: سوء استفاده از قدرت، معاونت در جرم، قانون مجازات اسلامی، قدرت، نفوذ معنوی.

* دانشیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مراغه، ایران / نویسنده مسئول
(pourghahramani@iau-maragheh.ac.ir).

* دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مراغه، ایران

مقدمه

قدرت می‌تواند نفوذ کلام یا قدرت معنوی باشد؛ لذا قدرت در راه‌های مشکوک به‌طور ضابطه‌مند مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد که هزینه‌های شگرف و وحشتناکی به جوامع وارد می‌کند. «سوءاستفاده از قدرت» یک اشتباه نیست، یک تقصیر در فرد و سیستم است، این یکی از ویژگی‌های اساسی جوامع است که در حقوق، سیاست و دین... فی‌نفسه اختلال ندارد بلکه در مقام عمل به آن‌ها اختلال ایجاد می‌کند، بسیار مورد توجه قرار می‌گیرد. «سوءاستفاده از قدرت»، شامل رفتارهایی است که هرچند هنوز ممکن است در قوانین داخلی جرم انگاری نشده باشد، از این رو، جرم انگاری آن، بر پایه حقوق داخلی کشورها، ضروری است می‌توان گفت که ترجمانی از قدرت عمومی است. قدرت زمانی عمومی است که به یک شخص یا گروهی از اشخاص که به نمایندگی یا از سوی جامعه عمل می‌کنند، واگذار شده باشد. قدرت، در این معنا، برای وجود هر جامعه‌ای حیاتی و اساسی است. هنگامی که قدرت به‌طور مشروعی به کار گرفته می‌شود که بتواند خیر و منفعتی برای همگان باشد؛ همچنان که می‌توان آن را برای پشتیبانی از بی‌گناه و به کیفر رساندنِ خطاکار، رواج دادنِ صلح، همنوایی، دادگری و خوشبختی برای همه به کار برد. ویژگی قدرت عمومی، سیاسی یا دولت بودن آن است و به همین دلیل، به آن قدرت سیاسی یا رسمی نیز می‌گویند. قدرت سیاسی یا رسمی عبارت است از قدرت داده‌شده به یک شخص یا مجموعه‌ای از اشخاصی که یکی از نقش‌ها یا وظایف دولتی را انجام می‌دهند. «سوءاستفاده از قدرت» موقعیتی است که در آن فردی که روی دیگران قدرت و نفوذ دارد؛ مثلاً با برتری ذهنی، موقعیت اجتماعی قدرت جسمی، دانش، فناوری، اسلحه، ثروت یا اعتمادی که دیگران به او دارند، به طرز ناموجه و ناحقی از آن قدرت برای استثمار و آسیب رساندن به دیگران استفاده می‌کند یا با اقدام نکردن باعث می‌شود دیگران مورد آسیب یا استثمار قرار گیرند (آشوری، ۱۳۸۳، ص ۸۱) در خصوص پیشینه موضوع می‌توان به اعلامیه اصول اساسی عدالت برای قربانیان جرم و سوءاستفاده کنندگان از قدرت، ماده ۱۹ و ماده ۲۱ مصوب ۱۹۸۵/۱۱/۲۹، به حقوق کیفری فرانسه که در ماده ۶-۱۲۱ و

۱. دولت‌ها باید تلفیق هنجارهای بین‌المللی در هنجارهای قوانین ملی نهی‌کننده سوءاستفاده از قدرت و تأمین جبران خسارت به چنین قربانیان را مورد بررسی قرار دهند. به‌ویژه چنین ترمیم‌هایی باید شامل اعاده وضعیت و یا غرامت،

۱۲۱-۷ قانون مجازات و در خصوص پیشینه موضوع در حقوق ایران، ماده ۱ (بند الف) قانون مبارزه با قاچاق انسان؛ با عنوان سوء استفاده از قدرت یا موقعیت، مصوب ۱۳۸۳،^۴ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر؛ با عنوان «سوء استفاده از قدرت» یا اختیارات قانونی و اداری، مصوب ۱۳۹۴^۵... که با «سوء استفاده از قدرت» ارتباط دارد جرم انگاری شده است البته به عنوان جرمی مستقل نه به عنوان معاونت در جرم.

لذا محققان این مقاله بر آن هستند تا با رفع ابهام در قلمرو مفهومی «سوء استفاده از قدرت» و تعیین مصادیقی از آن در معاونت، در نظام قضایی و اداری کشور به نحوی آگاهانه تر عمل شود، به همین جهت تعیین قلمرو مفهومی و مصداقی «سوء استفاده از قدرت» به منظور ایجاد شفافیت و جلوگیری از تداخل مفاهیم امری است ضروری تا جایی که در سطح عمل نیز می تواند برای دادرسان و قضات، کارآمد و مؤثر باشد و در آراء به جهات مناسب و صحیح استناد شود تا احقاق حقوق عامه نیز به درستی صورت گیرد. «در همایشی میان جامعه شناسان استرالیایی و جامعه ملی اسلامی اندونزی، این تعریف ارائه شد که صرف سوء استفاده از قدرت به ودیعه داده شده، توسط

کمک و حمایت لازم مادی، پزشکی، روانی و اجتماعی گردد.

۱. دولت ها باید قوانین و رویه های موجود را به منظور اطمینان از پاسخگویی شان به شرایط متغیر، بازنگری نموده و در صورت ضرورت قوانین نهی کننده اعمال موجد سوء استفاده های جدی از قدرت سیاسی و اقتصادی را وضع و اجرا نمایند و خط مشی ها و سازوکارهایی برای پیشگیری از چنین اعمال را ارتقاء داده و حقوق و جبران خسارت مناسب قربانیان چنین اعمال را گسترش داده و به سهولت فراهم سازند.
۲. معاون جرم در مفهوم مورد نظر ماده ۷-۱۲۱ به مجازات مباشر محکوم خواهد شد.
۳. معاون جنایت یا جنحه کسی است که به طور عمدی با کمک یا همدستی یا تسهیل مقدمات جرم یا راهنمایی آن اقدام نماید. همچنین کسی که با دادن عطایا، وعده و وعید، دستور، سوء استفاده از مقام یا قدرت، کسی را به ارتکاب یک جرم تحریک نماید یا تعلیماتی را به منظور ارتکاب به او ارائه دهد، معاون جرم محسوب می شود.
۴. الف) خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت مجاز یا غیر مجاز فرد یا افراد از مرزهای کشور با اجبار و اکراه یا تهدید یا خدعه و نیرنگ و یا با سوء استفاده از قدرت یا موقعیت خود یا سوء استفاده از وضعیت فرد یا افراد یاد شده، به قصد فحشاء یا برداشت اعضاء و جوارح، بردگی و ازدواج.
۵. در ماده ۹ - اشخاص حقیقی یا حقوقی حق ندارند در برابر اجرای امر به معروف و نهی از منکر مانع ایجاد کنند. ایجاد هر نوع مانع و مزاحمت که به موجب قانون جرم شناخته شده است؛ علاوه بر مجازات مقرر، موجب محکومیت به حبس تعزیری یا جزای نقدی درجه هفت می گردد. در مورد اشخاص حقوقی، افرادی که با سوء استفاده از قدرت یا اختیارات قانونی و اداری از طریق تهدید، اخطار، توییح، کسر حقوق یا مزایا، انفصال موقت یا دائم، تغییر محل خدمت، تنزل مقام، لغو مجوز فعالیت، محرومیت از سایر حقوق و امتیازات، مانع اقامه امر به معروف و نهی از منکر شوند؛ علاوه بر محکومیت اداری به موجب قانون رسیدگی به تخلفات اداری، حسب مورد به مجازات بند (پ) ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی محکوم می شوند.

مقامات و مستخدمان، فساد است» (دادخدایی، ۱۳۹۰، ص ۵۴) در حقوق به موجب اصل تناسب مسئولیت با اختیارات، مقامات و دستگاه‌های حکومتی صاحب قدرت، به هر میزانی که دارای قدرت و اختیارات قانونی هستند به همان اندازه نیز بایستی از لحاظ حقوقی و کیفری مسئول شناخته شوند و تحت نظارت قرار گیرند، ناگفته نماند که سوءاستفاده از قدرت یکی از مباحث مهم در معاونت در جرم است لذا سوءاستفاده کنندگان از قدرت، مجرمینی هستند که در فرار از چنگال قانون سعی دارند به اهداف خود برسند. اهمیت و حساسیت سوءاستفاده از قدرت تا آنجاست که (سؤال اصلی تحقیق را) قلمرو مفهومی سوءاستفاده از قدرت در معاونت در ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ را به خود اختصاص داده است. از نوآوری مقاله می‌توان به تبیین چهارچوب قلمرو مفهومی «سوءاستفاده از قدرت در معاونت» در حقوق کیفری ایران اشاره کرد تا با شناخت آن موجب سردرگمی قضات و اصحاب دعوا در پرونده‌ها نشود، چراکه تعیین چهارچوب مفهومی قلمرو سوءاستفاده از قدرت، در جهت زدودن سوءاستفاده کنندگان و افراد صاحب قدرت، لازم و از ضروریات است. این نوشتار در سه بخش به بررسی سوءاستفاده از قدرت در معاونت پرداخته است، در بخش نخست به بیان مفهوم‌شناسی سوءاستفاده از قدرت در معاونت پرداخته شده است، در جهت توجیه این بخش می‌توان گفت که مفهوم‌شناسی مفاهیم مرتبط با سوءاستفاده از قدرت، در جهت شناخت قلمرو مفهومی «سوءاستفاده از قدرت» در معاونت در جرم لازم و از ضروریات است و در بخش دوم به بررسی شرایط تحقق سوءاستفاده از قدرت در معاونت پرداخته شده است که برای بررسی بابد شرایط تحقق آن جرم را مورد بررسی قرارداد و در بخش سوم به مصادیق سوءاستفاده از قدرت در معاونت در جرم که ممکن است اتفاق بیفتد پرداخته می‌شود. حال به بررسی بخش نخست، مفهوم‌شناسی سوءاستفاده از قدرت در معاونت، به تفکیک پرداخته می‌شود.

۱. مفهوم‌شناسی سوءاستفاده از قدرت در معاونت

در این قسمت به تبیین تک‌تک مفاهیم مرتبط با قلمرو مفهومی «سوءاستفاده از قدرت» در معاونت می‌پردازیم. در ادامه حسب یک استقراء، الفاظ و مفاهیم مشابه، مترادف و نزدیکی این مفاهیم را با مفاهیم مشابه بررسی کرده‌ایم.

۱-۱. معاونت

معاونت (Abettor) در جرم، به معنای ترغیب، تحریک و تشویق دیگری به ارتکاب جرم است. اهل لغت معاونت را به «مظاهر» (پشتیبانی کردن، یاری رساندن و کمک نمودن) معنا کرده‌اند (فراهیدی، ۱۴۱۰، ص ۲۵۳/ ابن منظور، ۱۴۱۴، ص ۲۹۸) بنابراین «معاون» به معنای ظهیر (پشتیبان)، یاری‌گر و کمک و یاری‌رسان است و «معاونت در جرم» به معنای پشتیبانی، کمک و یاری‌رساندن به کسی در انجام عملی مجرمانه است. «معاونت» در اصطلاح حقوقی، شخصی است که در عملیات مجرمانه شرکت ندارد اما به هر نحوی مجرم را در ارتکاب جرم یاری کرده است همچنین کسی که با رفتارهای خاص عمدی خود وقوع جرم را تسهیل و با مجرم همکاری کند، حتی اگر به طور مستقیم وارد جرم نشود، مرتکب عمل خلاف شده است. به نظر برخی فقها، معاونت عبارت است از انجام بعضی از مقدمات کاری که دیگری انجام می‌دهد، با قصد تحقق فعل از آن شخص مورد نظر، نه بدون قصد مطلقاً (انصاری، ۱۴۱۱، ص ۶۸) برخی دیگر بر این باورند که معاونت بر اثم، یعنی ایجاد مقدمه‌ای از مقدمات فعل غیر، اگرچه تهیه مقدمات از روی قصد نباشد و فاعل نیز در انجام فعل مستقل باشد، مشروط به این که معاون علیه محقق شود (خویی، ۱۴۳۰، ص ۲۷۷) البته ارتکاب هر عملی از ناحیه معاون تا زمانی که در چهارچوب یکی از موارد مصرح در قانون مجازات نباشد بر مجرم عنوان معاونت تلقی نخواهد شد و معاونت در جرائم غیرعمدی امکان‌پذیر نیست. در رابطه با معاونت دو شیوه استقلالی و استعاره‌ای به چشم می‌خورد. بر مبنای اصل عاریه‌ای بودن بزهکاری معاون، مرتکب بزه مستقلاً نمی‌شود، بلکه عنوان بزهکاری اش را از مرتکب اصلی به عاریت می‌گیرد بر مبنای جمله معروف استاد کرپنیه، مباشر و معاون همانند تاروپود یک کیف می‌باشند (Lutomi, Laurence, Coleb, Patrick, 2017, p.76) در اینجا لازم است به تفاوت میان معاونت در جرم و فاعل معنوی اشاره کرد و آن اینکه فاعل معنوی مرتکب جرم شده، ولی به واسطه فاعل مادی، به تعبیر دیگر از سبب اقوی از مباشر در حقوق کیفری به فاعل معنوی یاد می‌شود. ولی در معاونت در جرم، اگر چه معاون در وقوع جرم نقش داشته و وقوع آن را تسهیل کرده و... ولی جرم به وی منتسب نیست (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۹۵، ص ۸) ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با احصاء معاونت و توصیف نحوه ارتکاب آن‌ها که فعل «سوءاستفاده از قدرت» باید مطابق با فعل اصلی باشد یعنی ارتکاب هر عمل از ناحیه معاون تا زمانی که در چهارچوب «سوءاستفاده از قدرت» که در قانون تصریح شده است نباشد، معاونت

محسوب نمی‌شود.

قانون مجازات فرانسه (مواد ۶-۱۲۱ و ۷-۱۲۱) و قانون مجازات عمومی ایران از بدو قانونگذاری تا قانون جدید مجازات اسلامی ۱۳۹۲، از شیوه استعاره‌ای و تبعی معاونت پیروی کرده است. قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، مواد ۱۲۶ و ۱۲۷ را به بحث معاونت اختصاص داده است. ماده ۱۲۶ مقرر می‌دارد، اشخاص زیر معاون جرم محسوب می‌شوند: ۱ - هرکس دیگری را ترغیب، تهدید، تطمیع یا تحریک به ارتکاب جرم کند یا با دسیسه یا فریب یا «سوءاستفاده از قدرت» موجب وقوع جرم گردد... در مجموع می‌توان گفت که اگر شخصی در عملیات اجرایی مرتکب جرم، هیچ مداخله‌ای نداشته باشد بلکه نقش او فرعی و منحصر به اموری چون تهیه مقدمات یا تشویق و ترغیب مرتکب جرم باشد معاون جرم محسوب می‌شود.

۱.۲. سوءاستفاده از قدرت (Abuse of Power)

در قانون مجازات اسلامی، تعریف دقیقی از سوءاستفاده از قدرت، به عمل نیامده است. ماده ۱۲۶ هم به تعریف شفاف آن نپرداخته است و فقط آن را یکی از مصادیق معاونت در جرم ذکر کرده است و همان‌طور که صاحب‌نظران حقوق کیفری نیز معتقد بودند که در حقوق جزای ایران معیار و ضابطه دقیقی برای تعیین و تشخیص مفهوم سوءاستفاده از قدرت، وجود ندارد؛ لذا برای شناخت «سوءاستفاده از قدرت» لازم است دو واژه «سوءاستفاده» و «قدرت» از هم تفکیک شوند.

۱.۲.۱. سوءاستفاده

سوءاستفاده در اصطلاح حقوقی، یعنی استفاده و کاربرد غیرقانونی و نادرست یا «پرهیز از استفاده یا کاربرد قانونی و درست» (Graner, 2004, p.10) در سوءاستفاده که فرد از پشوانه‌ی، صمیمیت، اعتماد و وابستگی استفاده می‌کند تا از قربانی سوءاستفاده کند، او با هرگونه رفتار یا اقدام طراحی شده برای کنترل، ارباب، تهدید یا آسیب از فرد دیگر استفاده می‌کند؛ لذا سوءاستفاده می‌تواند احساسی، روانی، مالی، جنسی و جسمی باشد، اما به هیچ‌یک از این موارد محدود نمی‌شود، در این راستا هرگونه سوءاستفاده، دست‌کاری و یا بهره‌برداری از قدرت، به‌منظور کنترل رفتار، اعمال، افکار یا احساسات شخص، سوءاستفاده است. سوءاستفاده می‌تواند نسبت به هرکسی، از هر سن، جنس و به هر مرحله‌ای از زندگی رسیده باشد، رخ دهد و می‌تواند به شکل

فیزیکی، قلدری، احساسی، اجبار روان‌شناختی، سوءاستفاده جنسی یا غفلت باشد، سوءاستفاده، بدرفتاری یا غفلت از دیگران (Beirsted, R., 1950, p.731) به‌گونه‌ای است که موجب آسیب جسمی، احساسی یا جنسی می‌شود. موضع کلیسا این است که سوءاستفاده را نمی‌توان در هر صورت تحمل کرد و کسانی که سوءاستفاده می‌کنند، نسبت به خدا پاسخگو خواهند بود (Rogers, M.F, 1973, p.63) سوءاستفاده، به‌طورکلی به استفاده نادرست از یک چیز و بر مبنای به دست آوردن سود از کنشی نادرست و ناعادلانه گفته می‌شود. سوءاستفاده یک تخلف است و می‌تواند در شکل‌های گوناگون مانند بدرفتاری فیزیکی یا آزار زبانی، نژادپرستی، آسیب‌زندگی، حمله، اخلال، بزه، تجاوز جنسی، سوءاستفاده جنسی، تعرض قانونی، آزار دینی، تبعیض جنسیتی، سوءاستفاده دینی، جنایت و انواع دیگر از پرخاشگری و شیوه‌های ناعادلانه نمود یابد. سوءاستفاده به این معناست که حقی از فرد ضایع شود. در واقع، در یک ارتباط دوطرفه یک طرف نفع می‌برد و طرف مقابل، مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرد. اغلب افرادی که سوءاستفاده می‌کنند برای رسیدن به مقصود سعی می‌کنند محترمانه این کار را انجام دهند، درحالی‌که تصور ذهنی مجنی علیه چنین نیست ولی آن‌ها مجبور نیستند تا ابد مورد سوءاستفاده دیگران قرار بگیرند، اگر کمی به شخصیت خود نگاه کنند، متوجه خواهند شد که در بسیاری از موارد خود افراد هستند که چنین اجازه‌ای را به فرد سوءاستفاده کننده می‌دهند.

۱-۲-۲. قدرت

قدرت (Power) در فرهنگ عمید به معنای توانستن، توانایی داشتن، توانایی انجام دادن کاری یا ترک آن (عمید، ۱۳۹۰، ص ۶۳۴) قدرت در فرهنگ معین به معنای، توانایی داشتن، توانستن (معین، ۱۳۸۲، ص ۴۲۷) قدرت، توانایی اعمال زور هست، قدرت عبارت است از توانایی نفوذ (Rabbins, Stephen, 1991, p.584) قدرت عبارت است از توان بالقوه‌ای که فرد (الف) دارد تا بر رفتار فرد (ب) اثر گذارد، به‌گونه‌ای که فرد (ب) را وامی‌دارد تا کاری را انجام دهد که اگر غیرازاین بود چنین نمی‌کرد. قدرت عبارت است از ظرفیت یا توانایی بالقوه تأثیر و تغییر دیگران، افراد زمانی که توانایی اثرگذاری بر عقاید و ادراکات و موارد عملیاتی را پیدا کردند از قدرت برخوردارند (افجه، ۱۳۹۰، ص ۱۷) هنگامی که افراد، فردی را صاحب قدرت می‌دانند، یعنی عدم توازن قدرتی به نفع خود آن فرد وجود دارد چون قدرت باوجود آحاد مردم پیوند می‌خورد. قدرت

پدیده اجتماعی است و بسان نوعی از «رابطه میان مردم» تعریف شده است. قدرت نوعی توانایی است که بدون توجه به پذیرش اراده شخص بر انتخاب، او را درگرفتن تصمیم‌های رفتاری محدود می‌کند یا گسترش می‌دهد. قدرت بنا به سرشت خود اجباری و مستلزم پیروی از مافوق است. به گفته ماکس وبر قدرت؛ توانایی وادار کردن دیگران به پذیرش دستوره‌های خویش است. منشأ قدرت فرد شامل همه منابعی است که وی به منظور اولویت انتخاب‌ها در جهت هدایت رفتار دیگران می‌تواند به کار گیرد این ممکن است شامل قابلیت‌های برتر جسمی، سلاح، پول یا دانش برتری باشد. منشأ قدرت در توانایی فرد یا گروه در به‌کارگیری منابع خاص در جهت تأمین هدف‌های خود یا جلوگیری از استفاده دیگران از آن‌ها در صورتی که نتایج پیش‌بینی شده این اقدام برای آن فرد یا گروه زیان‌آور باشد نهفته است (ج. دبلیو، ۱۳۸۰، ص ۸۷-۱۰۵) قدرت، یکی از اساسی‌ترین مفاهیم در علوم سیاسی، به‌ویژه اندیشه‌های سیاسی جدید است، به‌گونه‌ای که برخی از پژوهشگران علوم سیاسی، سیاست را دانش قدرت و کسب و حفظ آن دانسته‌اند و برخی دیگر آن را هسته مرکزی و محوری و گاه به مثابه پارادایم سیاست دانسته‌اند. مورگنتا، سیاست در میان ملت‌ها را مبارزه برای قدرت می‌داند او اعتقاد دارد: شناخت درست مبارزه برای قدرت کلید فهم مسائل سیاسی است (عالم، ۱۳۷۳، ص ۸۸).

لذا با جمع‌بندی از مفاهیم «سوءاستفاده» و «قدرت» می‌توان گفت که: «سوءاستفاده از قدرت» به معنای بهره‌گیری ناروا از قدرت و موقعیت اجتماعی است این موقعیت ممکن است به واسطه شغل و سمت دولتی فراهم شود یا محصول روابط اجتماعی خاصی مانند رابطه پدر و فرزند باشد در «سوءاستفاده از قدرت»، چنانچه انگیزه ارتکاب جرم، در شخص دارای مسئولیت کیفری ایجاد کند بی‌آنکه اراده را از او سلب کند، از مصادیق معاونت است. اگر مافوق یا فردی که دارای نفوذ بر دیگران است با «سوءاستفاده از قدرت» خود، حتی بدون آنکه تحریک یا تهدید کند، موجب وقوع جرم دیگری گردد، تحت عنوان معاونت، قابل تعقیب است، البته شناخت دقیق عنوان «سوءاستفاده از قدرت» به ایجاد رویه قضایی موکول شده است. «سوءاستفاده از قدرت» به معنای داشتن رانت یعنی امتیاز ویژه و استفاده مضر از آن توسط دیگران است؛ مثلاً دستور دادن یا سفارش کردن از سوی افراد صاحب قدرت به مسئول یک بانک برای پرداختن وام به شخص دیگر به صورت غیرقانونی و متخلفان (مثلاً با سپردن وثیقه‌های جعلی و بعضاً ناکافی) به بانک جهت دریافت وام از مصداق‌های «سوءاستفاده از قدرت» در معاونت هست. انسان‌ها حق ندارند از قدرت بدنی،

فکری، مدیریتی و مالی خویش سوءاستفاده کنند. بدترین استفاده ناروا از قدرت، کشتن ظالمانه دیگری است. خداوند در قرآن کریم، قتل ناروا را به شدت منع می‌کند و برای جانیان کیفر سختی را روا دانسته است:

و لا تقتلوا النفس آلتی حرم الله الی به الحق و من قتل مظلوم فقط جعلها لولی سلطان فلا یسرف فی القتل اله جان منصور و نفسی را که خداوند حرام کرده است جزء به حق مکشید و هر کس مظلوم کشته شود به سرپرست وی قدرتی داده‌ایم پس او نباید در قتل زیاده‌روی کند زیرا او از طرف شرع یاری شده است (اسراء: ۳۳).

«سوءاستفاده از قدرت» برای اولین بار از موارد معاونت در جرم است که جرم انگاری شده است،^۱ در اصطلاح حقوقی، یعنی استفاده و کاربرد غیرقانونی و نادرست یا پرهیز از استفاده یا کاربرد قانونی درست؛ لذا «سوءاستفاده از قدرت» عبارت است از نقض یک ملاک یعنی یک هنجار پذیرفته شده (ایمانی، ۱۳۸۲، ص ۴۵-۴۹) «سوءاستفاده از قدرت» یا اقتدار در حین انجام کار می‌تواند هم با ذی‌نفعان خارجی و هم در میان کارکنان صورت گیرد. اثرات آن می‌تواند به روحیه و روابط کاری آسیب برساند ... (<http://www.businessdictionary.com/definition/ab>) «سوءاستفاده از قدرت» گاهی تحت عنوان مباشرت معنوی، گاهی تحت عنوان معاونت آگاهی به‌عنوان جرم مستقل قابل بررسی است همچنان که در ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی به این موضوع اشاره شده است سوءاستفاده از موقعیت و مسؤولیت، برای هیچ‌کس مجاز نیست و باید با آن به شدت برخورد نمود. «سوءاستفاده از قدرت» ممکن است طی فرایند آزادسازی اقتصادها که شرکت‌های دولتی خصوصی سازی می‌شوند صورت گیرد. در این فرایند فرصت‌هایی برای مقامات با تعیین قیمتی پایین برای شرکت فراهم می‌آید به‌گونه‌ای که آن شرکت با قیمتی بسیار ارزان به افراد خصوصی فروخته می‌شود (فتاحی، ۲۰۰۳، ص ۲۳) «سوءاستفاده از قدرت» یعنی اینکه فردی از مقام بالاتر خود سوءاستفاده کرده و به مقام مادون دستوری دایر بر ارتکاب عمل مجرمانه صادر کند (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲، ص ۴۲۶) اگر کسی از قدرت خود سوءاستفاده کرد و باعث بروز جرم شد به‌عنوان معاون جرم مجازات می‌شود. نباید فراموش کرد که این قدرت که از آن سوءاستفاده شده است دربرگیرنده قوای حکومتی و هر قدرتی است که بر فرد مسلط است و این امر در

۱. مثلاً الف از طریق توصیه و سفارش کردن ب را به سمت ارتکاب جرم سوق دهد در این صورت ب مباشر و الف معاون است.

شرکت‌های خصوصی هم صدق می‌کند چراکه در آن صورت چون افراد شاغل در شرکت زیرمجموعه آن شرکت و از کارمندان آن شرکت می‌باشند در این صورت مدیر شرکت ممکن است از قدرت خود سوءاستفاده کند و باعث بروز جرم شود. زمانی که از قدرت سوءاستفاده می‌شود، قدرت به یک مصیبت و بلا درمی‌آید. قدرت هنگامی مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد که برای هدف‌های خودسرانه، نامشروع یا غیرقانونی به کار گرفته شود (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰، ص ۲۲۷-۲۵۴) «سوءاستفاده از قدرت» شامل دسته‌ای از عملکردهای سوء است که می‌توان آن‌ها را به‌عنوان نمونه‌هایی از بهره‌گیری ناروا از یک منصب دولتی، در نظر گرفت و از پارتی‌بازی و تبعیض غیرقانونی تا سوءاستفاده از اطلاعات حساس یا محرمانه را در برمی‌گیرد. ممکن است در قبال برخورد جانب‌دارانه و یا صرفاً عدم تبعیض نسبت به یک شخص، مطالبات اجحاف‌آمیزی صورت گیرد. مطالبات مذکور می‌تواند شامل پول، هدایا و یا رابطه جنسی باشد (فتاحی، ۲۰۰۳، ص ۲۳) سوءاستفاده از قدرت عبارت است از نقض یک ملاک، هرگاه در پی کاربرد یا استفاده غیرقانونی و نادرست از قدرت یا پرهیز از کاربرد و استفاده قانونی و درست از آن و به دنبال ایجاد سلطه، کنترل یا نفوذ به‌منظور ایراد آسیب فردی یا گروهی، به شکل بدنی یا روانی، درد و رنج عاطفی، زیان مالی یا اقتصادی یا آسیب اساسی به حقوق بنیادی رخ داده باشد (رایجیان اصلی، ۱۳۸۵، ص ۱۱) سوءاستفاده از قدرت، بیش از آنکه رفتار خاصی باشد نفوذ معنوی بر دیگری است، کسی که به هر دلیل فرضاً آسیب‌پذیری یا هواخواهی یا ارادتمندی و یا حس وظیفه‌شناسی خود را به تبعیت از دیگری و اجرای خواسته‌های او ملتزم می‌بیند، (اردبیلی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۵).

یکی از مهم‌ترین سازوکارها برای تضمین حقوق و آزادی‌ها، استفاده از ابزار کیفری با جرم‌انگاری رفتارهای تهدیدکننده آن‌ها و مجازات ناقضان این حقوق است؛ اما جرم‌انگاری خود شدیدترین مداخله در حقوق افراد بوده که می‌تواند مهم‌ترین نقض حقوق افراد از سوی دولت به شمار آید و بنابراین باید از توجیه مناسبی برخوردار باشد. اهمیت این موضوع با توجه به امکان سوءاستفاده دولت‌ها و مداخله بیش از حد در حقوق و آزادی‌های افراد، در پوشش یا به بهانه حمایت روشن‌تر می‌گردد. توازن میان قدرت حاکمیت و آزادی‌های فردی مستلزم آن است که از یک سو حکومت برای اجرای حقوق کیفری، پیگرد و مجازات مجرمان قدرت کافی داشته باشد و از سوی دیگر، محدودیت‌هایی بر قدرت حاکمیت وارد شود تا مأموران حکومت نتوانند آزادی و حریم خصوصی و اموال مردم را تهدید کنند. همان‌گونه که اگر شهروندان کنترل نشوند مرتکب

جرم می‌شوند، مأموران حکومت نیز در صورت کنترل نشدن از قدرت خود سوء استفاده می‌کنند (آشوری، ۱۳۸۳، ص ۸۳) در بیان اهمیت جرم انگاری سوء استفاده از قدرت در قوانین می‌توان گفت که حقوق کیفری اعمالی را که عموماً برای جامعه مضر محسوب می‌شود را تعریف و کیفرهای مباشران آن اعمال را نیز مشخص می‌کند. در پی احراز عملی ارتکاب یک بزه ضروری است که مباشر آن کشف شود، ادله جمع‌آوری گردد و در پایان یک فرایند که عموماً قضایی است مجرم به کیفر خود برسد. در سال‌های دور تمام دغدغه‌های سیستم کیفری بر آن بوده که با تحمیل شکنجه روحی و بدنی به‌عنوان انتقام عمل مجرمانه مجرم را کیفر دهند؛ اما آنچه امروزه مدنظر است شناخت شخصیت روان‌شناختی و واقعی مجرم علاوه بر شخصیت حقوقی بزه‌کار است. اهمیت سوء استفاده از قدرت نیز به‌عنوان یکی از جرائمی که در خیلی از مواد قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین به آن اشاره شده است به این دلیل است که قانونگذار از این واقعیت آگاه است که کسی که قدرت، شغل، مقام و موقعیتی بر مبنایی که قانون یا عوامل دیگر دارد در صورت تمایل به ارتکاب جرم هم توانایی انجام آن را به‌راحتی دارد و هم گستره و میزان تلفات و خسارات جرم ارتكابی آن‌ها به دلیل قدرتش می‌تواند زیاد باشد. قانونگذار هم در بسیاری از موارد به سوء استفاده از قدرت و مقام به‌عنوان یک جرم اشاره کرده و مجازاتی را برای مرتکبین این جرائم در نظر گرفته است (اصغری، ۱۳۹۵، ص ۱۱۷).

قانونگذار در برخی مواد قانونی عبارات و مفاهیمی را به کار گرفته است که این الفاظ تا حدی مترادف با لفظ سوء استفاده از قدرت هست و بعضی ارتباط نزدیکی با سوء استفاده از قدرت دارند. در نهایت باید توجه داشت که موارد ذکر شده، با سوء استفاده از قدرت در معاونت، تفاوت دارند. این قسمت به بررسی مصادیق سوء استفاده از قدرت که در قوانین ذکر شده به‌کار رفته است می‌پردازیم. عبارات و مصادیقی از سوء استفاده از قدرت که در قانون مجازات عمومی، قانون مجازات نیروهای مسلح، قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵، قوانین متفرقه... مورد استفاده قرار گرفته است با سوء استفاده از قدرت بررسی می‌گردد تا میزان قرابت و ارتباط آن‌ها با سوء استفاده از قدرت در معاونت مشخص شود.

۱. سوء استفاده^۱ از مقام یا موقعیت اداری، سیاسی، امکانات یا اطلاعات: فساد اداری یعنی

۱. ماده ۱ بند (الف). قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد، مصوب ۱۳۹۰: سوء استفاده در این قانون هرگونه فعل یا ترک فعلی است که توسط هر شخص حقیقی یا حقوقی به‌صورت فردی یا سازمانی که عمداً و

استفاده غیرقانونی از اختیارات اداری برای نفع شخصی (الوانی و جفره، ۱۳۷۶، ص ۸۹) فساد سیاسی یعنی استفاده از قدرت سیاسی یا موقعیت دولتی برای کسب منافع مشروع شخصی (Encyclopedia, Grolier, 2001, p.22) فساد مالی یعنی فسادی که مربوط به حوزه مالی و اقتصادی است و مرتکبان آن معمولاً برای به دست آوردن سود و منفعت مادی غیرقانونی تلاش می نمایند. در مورد فساد مالی، این که امکان ارتکاب آن هم در بخش دولتی و هم در بخش خصوصی وجود دارد و نباید تصور شود که این نوع فساد تنها مختص بخش دولتی است (رهبر و دیگران، ۱۳۸۱، ص ۹) وجه تشابه این نوع فساد با سوءاستفاده از قدرت در این است که در هر دو به صورت فعل یا ترک فعل انجام می شود، در هر دو نوع سوءاستفاده هم شخص حقیقی و هم شخص حقوقی می توانند مرتکب سوءاستفاده واقع شوند، سوءاستفاده در هر دو به صورت عمدی است؛ اما تفاوت در این است که در سوءاستفاده از مقام یا موقعیت اداری... باهدف هرگونه منفعت یا امتیاز مستقیم یا غیرمستقیم برای خود یا دیگری است درحالی که در سوءاستفاده از قدرت، سوءاستفاده کننده از قدرت، در عمل مجرمانه مزبور وجه یا مال یا فایده یا وعده ای را دریافت نمی کند.

۲. سوءاستفاده از اختیارات:^۱ منظور از سوءاستفاده در ارتکاب جرم به قصد و انگیزه مرتکب برمی گردد و باید حداقل عنصر روانی سوءنیت عام را در این زمینه برای مرتکب لازم دانست تا جرم وی محقق شود و بر مبنای نظریات خطر و تقصیر، دارای مسئولیت جزایی شمرده شده است. همچنین باید وجود هدف مغایر باهدف قانون یا ملاحظات نامربوط یا عدم لحاظ ملاحظات مرتبط موردبررسی قرار گیرد که با توجه به عنصر قانونی این جرم، سوءاستفاده از مقام به منظور جلوگیری از اجرای قوانین و اوامر دولتی و احکام محاکم قضایی در این باره لحاظ می شود. ازسوی

باهداف کسب هر نوع منفعت یا امتیاز مستقیم یا غیرمستقیم برای خود یا دیگری، با نقض قوانین و مقررات کشوری انجام پذیرد یا ضرر و زبانی را به اموال، منافع، منابع یا سلامت و امنیت عمومی و یا جمعی از مردم وارد نماید نظیر رشاء، اختلاس، تبانی، سوءاستفاده از مقام یا موقعیت اداری، سیاسی، امکانات یا اطلاعات، دریافت و پرداخت های غیرقانونی از منابع عمومی و انحراف از این منابع به سمت تخصیص های غیرقانونی، جعل، تخریب، یا اختفاء اسناد و سوابق اداری و مالی.

۱. ماده ۵۷۶ ق. م. اسلامی ۱۳۷۵: «چنانچه هر یک از صاحب منصبان و مستخدمین و مأمورین دولتی و شهرداری ها در هر رتبه و مقامی که باشند از مقام خود سوءاستفاده نموده و از اجرای اوامر کتبی دولتی یا اجرای قوانین مملکتی و یا اجرای احکام یا اوامر مقامات قضایی یا هرگونه امری که از طرف مقامات قانونی صادر شده باشد جلوگیری نماید به انفصال از خدمات دولتی از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد».

دیگر تحقق عنصر مادی نیز در این زمینه اهمیت دارد؛ یعنی تحقق جرم منوط به اجرا نشدن قانون یا حکم مقام قضایی است والا اگر فعل یا ترک فعل مأمور و مستخدم دولتی در جلوگیری از اجرای قانون یا حکم مقام قضایی تأثیری نداشته باشد، جرم ماده ۵۷۶ تحقق نخواهد یافت (افشاری، ۱۳۹۲، ص ۲۸) ارکان اساسی در سوء استفاده از صلاحیت، چند مورد است: نخست، وجود صلاحیت برای مقام اداری بر طبق قانون برای عمل خاص؛ دوم، انجام عمل در محدوده صلاحیت برخلاف هدف قانونگذار و یا بدون در نظر گرفتن عوامل و ملاحظات مدنظر قانونگذار و سوم، عنصر سوء نیت به معنای وجود علم و عمد است (نجابت خواه، ۱۳۸۸، ص ۹۳) بدین معنا که مقام صلاحیت دار علم دارد که هدف قانونگذار چه بوده و با عمد، عملی خلاف آن را مرتکب می شود و به خلاف بودن عمل خود نیز علم دارد. به نظر می رسد وجود رکن روانی است که سوء استفاده از اختیارات را از اعمال مشابه مانند اشتباه متمایز می سازد؛ زیرا در اشتباه، علم و عمد وجود ندارد (Hilaire Barentt, 2007, p.766) مرتکب یعنی سوء استفاده کننده در این ماده فقط مستخدم دولت یا مؤسسات غیردولتی است و اشخاص عادی که هیچ سمتی ندارند را شامل نمی شود، پس هم شخص حقیقی و هم شخص حقوقی را شامل می شود و هم با فعل و هم با ترک فعل صورت می گیرد البته بیشتر به صورت ترک فعل است، سوء استفاده موضوع این ماده به صورت عمدی است. تفاوتش با سوء استفاده از قدرت در این است که در سوء استفاده از اختیارات بیشتر به صورت ترک فعل است یعنی (ممانعت و جلوگیری از اجرای اوامر و قوانین و اجرای احکام یا اوامر مقامات یا هرگونه امری که از طرف مقامات قانونی صادر شده است)، در سوء استفاده از اختیارات، هدف جلوگیری از اجرای دستورات مقامات است و فایده یا کسب منفعت شرط نیست که این مورد با سوء استفاده از قدرت وجه اشتراک دارند.

۳. سوء استفاده^۱ از لباس نظامی موقعیت یا شغل: شرط اول تحقق جرم آن است که مرتکب، نظامی باشد.^۲ شرط دوم تحقق جرم، آن است که استفاده از لباس ها، علائم، مدال ها و درجات،

۱. ماده ۱۲۵ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ «هر نظامی که با سوء استفاده از لباس، موقعیت یا شغل خود به جبر و قهر، دیگری را اکراه به معامله مال یا حق خود نماید یا بدون حق، بر مال یا حق دیگری مسلط شود، علاوه بر رد عین، مثل یا قیمت مال یا حق حسب مورد، به مجازات حبس از یک تا پنج سال محکوم می شود.»

۲. در خصوص ارتکاب این جرم توسط غیر نظامیان باید به قانون مجازات اسلامی مراجعه شود (مواد ۵۵۶ و ۵۵۷ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵).

علنی باشد. استفاده کردن از این موارد درجایی که غیرعلنی و خصوصی باشد جرم نیست. شرط سوم تحقق جرم، آن است که البسه، مدالها، درجات و نشان‌های رسمی، مورد استفاده قرار گیرد.^۱ شرط چهارم تحقق این جرم، استفاده بدون حق و غیرمجاز است.^۲ تفاوتش با سوءاستفاده از قدرت در این است که در سوءاستفاده از قدرت توسط هر شخصی که بر دیگری سلطه و نفوذ دارد صورت می‌گیرد درحالی‌که مرتکب در این ماده فقط شخص نظامی است، مرتکب در این ماده مستخدم نیروهای مسلح است و اشخاص دیگر را شامل نمی‌شود، سوءاستفاده در این ماده فقط به صورت فعل است نه ترک فعل، سوءاستفاده موضوع این ماده عمدی است، تفاوتش با سوءاستفاده از قدرت در این است که در سوءاستفاده از قدرت به صورت فعل و ترک فعل است برخلاف سوءاستفاده از لباس نظامی که به صورت فعل است، در سوءاستفاده از لباس نظامی هدف تسلط بر مال یا حق دیگری است، وجه تشابه در این است که در هر دو به صورت عمدی است.

۲. شرایط تحقق «سوءاستفاده از قدرت»

ماهیت قدرت، فساد را به ذهن متبادر می‌کند؛ یعنی؛ قدرت فساد آور است و فاجعه به پا می‌کند. فساد قدرت، ناشی از کیفیت قدرت، تنوع قدرت، اعتیاد به قدرت، بی‌قیدوشرط بودن قدرت... است و چون قدرت به صورت مای مختلف، همچو: اقتدار، نفوذ، خشونت، زور، سلطه، قوت و... جلوه می‌کند و همگی به نحوی مصادیقی از «سوءاستفاده از قدرت» هستند لذا جهت تحقق سوءاستفاده از قدرت نیاز به وجود شرایط زیر ضروری است،

۲-۱. عنصر مادی

در بحث عنصر مادی رفتار فیزیکی، شرایط و اوضاع و احوال و نتیجه حاصله مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱. تفاوتی از حیث اینکه موارد فوق‌الذکر باید ایرانی یا خارجی باشد وجود ندارد، یعنی اگر شخصی از نشان نظامی کشور دیگری استفاده یا لباس نظامی کشور دیگری را بر تن کند، بازهم مرتکب جرم شده است.
۲. اگر شخص نظامی، به صورت قانونی، مجوز و حق استفاده از لباس یا دیگر موارد را در آن زمان یا مکان داشته باشد و می‌توانسته آن لباس را بپوشد و پوشید، یا از نشان درجایی استفاده کند که حق استفاده را دارد، مرتکب جرم نشده است.

۲-۱-۱. رفتار فیزیکی

«سوءاستفاده از قدرت» سلطه و نفوذ معنوی بر یک یا چند شخص از اشخاص حقیقی یا حقوقی است که هم به شکل فعل و هم به شکل ترک فعل واقع می‌شود در ارتکاب آن به صورت فعل تردیدی نیست. «سوءاستفاده از قدرت» تا وقتی که به صورت عینی تحقق نیابد به صرف بروز در ذهن اشخاص، (بزه‌دیده) قابل تعقیب نخواهد بود. البته ذکر این نکته لازم و ضروری است که به دلیل تحقق اکثر مصادیق ذکر شده در این مقاله، می‌توان گفت که این امر به معنای عدم وجود ترک فعل در شکل‌گیری برخی از مصادیق آن نیست.

- در سوءاستفاده از قدرت، مستخدم دولت یا مأمور به خدمات عمومی یا (شخصی که بر فرد یا افراد سلطه و قدرت دارد) با رفتارش که اعم از فعل و ترک فعل است موجبات سوءاستفاده را فراهم می‌آورد.

۲۴۷ - در سوءاستفاده از قدرت، اقدام مأمور یا کارمند یا (شخصی که بر فرد یا افراد سلطه و قدرت دارد) به شکلی است که برخلاف حق و مقررات قانونی است، در غیر این صورت، این اقدام، به عنوان یک عمل مجرمانه به شمار نمی‌رود.

- در سوءاستفاده از قدرت، اقدام مأمور یا کارمند یا (شخصی که بر فرد یا افراد سلطه و قدرت دارد) به گونه‌ای است که بدون اطلاع از این سوءاستفاده در نهایت به نفع یا ضرر کسی منجر می‌گردد. این همان رفتار دارای تأثیر مادی یا غیرمادی است که به نفع سوءاستفاده کننده از قدرت و به ضرر قربانی تمام می‌شود.

۲-۱-۲. شرایط و اوضاع و احوال

در سوءاستفاده از قدرت، شخص موردنظر که کار او یا پرونده او در نزد مأمور دولتی یا مأمور به خدمات عمومی یا (شخصی که بر فرد یا افراد سلطه و قدرت دارد) مطرح است مورد فریب قرار می‌گیرد در عنوان مجرمانه نقش ندارد.

- در سوءاستفاده از قدرت، وجود یک موضوع، پرونده یا کار در نزد مأمور دولتی یا مأمور به خدمات عمومی یا (شخصی که بر فرد یا افراد سلطه و قدرت دارد) لازم و ضروری است.

- در سوءاستفاده از قدرت، توجه جرم به شخص دیگر یعنی قربانی جرم است نه مرتکب جرم
- در سوءاستفاده از قدرت، زبردست بودن قربانی شرط است و مرتکب با استفاده از این امر

تلاش می‌کند امتیازاتی بگیرد و به همین دلیل بانفوذ معنوی و تسلط و احاطه بر قربانی موجبات سوءاستفاده از قدرت را فراهم می‌سازد.

۲-۱-۳. نتیجه حاصله

سوءاستفاده از قدرت در معاونت، جزء جرائم مقید است یعنی منتهی شدن رفتار سوءاستفاده کننده از قدرت به نتیجه خاص مرتکب، لازمه تحقق این جرائم است.

- در سوءاستفاده از قدرت، مرتکب، یعنی سوءاستفاده کننده از قدرت، در عمل مجرمانه مزبور وجه یا مال یا فایده‌ای یا وعده‌ای را دریافت نمی‌کند.

- شروع به سوءاستفاده از قدرت در معاونت، قابل مجازات نیست.

۲-۲. عنصر روانی

برای تحقق سوءاستفاده از قدرت، مرتکب باید هم عمد در فعل و هم قصد نتیجه را داشته باشد. «سوءاستفاده از قدرت»، از روی اراده انجام می‌شود اگر مرتکب علم به وجود چنین اراده‌ای نداشته باشد، عمل او معاونت نیست، اگر علم هم داشته باشد ولی از روی اراده مرتکب چنین عملی نشود، بازهم معاونت نسبت به مرتکب محقق نشده است. «سوءنیت عام به اراده خودآگاه شخص در ارتکاب عمل مجرمانه اطلاق می‌شود. وجود این سوءنیت، برای آنکه جرم عمدی تحقق یابد، همیشه لازم است، ولیکن در برخی از جرائم علاوه بر سوءنیت عام، ضرورت دارد که سوءنیت خاصی نیز وجود داشته باشد، بدین معنی که علاوه بر قصد ارتکاب عمل مجرمانه، باید قصد دیگری هم که از طرف قانونگذار برای تحقق جرم ضروری شناخته شده، مصداق پیدا کند» (محسنی، ۱۳۷۵، ص ۲۳) برای تجزیه و تحلیل سوءاستفاده از قدرت، از لحاظ عنصر روانی، باید گفت که به سوءنیت عام و سوءنیت خاص نیاز دارد تا «سوءاستفاده از قدرت» که همان نفوذ و تسلط معنوی فرد بر زیردست است، صورت گیرد و گاه بزه‌دیده متوجه نیت سوءاستفاده کننده نمی‌شود و در بخش سوم این نوشتار بر آنیم تا با مصادیق «سوءاستفاده از قدرت در معاونت در جرم» که ممکن است اتفاق بیفتد، پرداخته می‌شود.

۳. مصادیق «سوء استفاده از قدرت در معاونت»

سوء استفاده از قدرت مصادیق زیادی دارد که گاهی تحت عنوان مباشرت معنوی، گاهی تحت عنوان معاونت و گاهی به عنوان جرم مستقل قابل بررسی است. در سوء استفاده از قدرت به عنوان مباشرت معنوی، فاعل مادی جرم اراده خود را از دست داده و همچون آلتی در دست سوء استفاده کننده می باشد. همچنین سوء استفاده از قدرت چنانچه انگیزه ارتکاب جرم را در شخص دارای شرایط مسئولیت کیفری ایجاد کند بی آنکه اراده را از او سلب کند از مصادیق معاونت است. مواد قانونی که به این نوع سوء استفاده از قدرت اشاره شده است: (بند ب ماده ۱۲۱ ق.ا.م.و) و (تبصره ۹ ماده ۹ قانون مبارزه با قاچاق انسان) و اما صورت دیگری هست که در آن فرد شخصاً و مستقلاً و بدون دخالت عامل خارجی با سوء استفاده از قدرت، مقام، شغل و موقعیت خود دست به ارتکاب جرم می زند و خود به عنوان فاعل مستقل و مادی جرم باید مجازات شود که این مورد هم به عنوان مصداق سوء استفاده از قدرت به عنوان جرم مستقل است. سایر قوانین هم که به سوء استفاده از قدرت به عنوان جرم نگریسته اند: قانون جرائم نیروهای مسلح، قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر، قانون مبارزه با قاچاق انسان. در سوء استفاده از قدرت، برابر ماده ۱۲۶، هرکسی با «سوء استفاده از قدرت» موجب وقوع جرم شود تحت عنوان معاون در جرم قابل تعقیب است. این مصداق از معاونت در جرم در ماده ۴۳ ق. م. اسلامی مصوب ۱۳۷۰ وجود نداشت و به این قانون اضافه شده است سوء استفاده موضوع این قانون نباید در حد اکراه باشد و نیز نباید مشمول قواعد آمر و مأمور قرار گیرد. «اگر کسی با سوء استفاده از قدرت سبب شود شخصی که تحت دستور و مادون اوست ولو به عنوان اجرای دستور مافوق اما آگاهانه مرتکب جرم شود، مباشر به عنوان مباشرت در جرم و دستوردهنده یعنی کسی که سوء استفاده از قدرت کرده به عنوان معاون جرم تحت تعقیب قرار می گیرند مگر آنکه دستور در قالب امر غیر قانونی آمر قرار بگیرد که اینجا امر غیر قانونی آمر، رافع مسئولیت مأمور می باشد گاهی هم امر آمر قانونی به عنوان یکی از عوامل موجهه جرم، مسئولیت مأمور را رفع می کند. اگر سوء استفاده از قدرت توأم با قهر و غلبه و اجبار و دستور آمرانه به زیر دست باشد و شرایط اضطراب زیر دست (مأمور) و شرایط توسل به دفاع امر آمر قانونی فراهم باشد آمر به مجازات مباشر محکوم می شود و مأمور مسئولیت ندارد. نمی توانیم این فرد را تحت عنوان معاونت قلمداد کنیم. معاون، مجرم بودن خود را از مباشر عاریه می گیرد. پس مباشر هم باید مجرم باشد ولی در عوامل موجهه جرم، مباشر مجرم نیست؛ یعنی مباشر در واقع به دلیل اینکه عمل آمر از او

رفع مسئولیت می‌کند و امر آمر غیرقانونی است مأمور معذور و مکلف به اطاعت امر است. پس در این ماده که می‌گوید سوءاستفاده از قدرت یکی از مصادیق معاونت در جرم است، سوءاستفاده از قدرت می‌تواند امر غیرقانونی آمر باشد» (طاهری‌نسب، ۱۳۹۴، ص ۱۷). در این قسمت از مقاله، با توجه به تفاسیر فوق، «سوءاستفاده از قدرت در معاونت» می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد که عبارت‌اند از:

۳-۱. «سوءاستفاده از قدرت» فیزیکی

قدرت فیزیکی وقتی به کار برده می‌شود که دیگر راه‌های اعمال قدرت با شکست روبرو شده باشد و هدف قدرت چنان مهم است که اعمال کننده قدرت به اثرهای منفی کاربرد قدرت فیزیکی اهمیت نمی‌دهد؛ لذا می‌توان گفت که؛ هرگاه قدرت شکل خشونت به خود بگیرد به آن قدرت فیزیکی می‌گویند، استفاده از قدرت فیزیکی از سوی مرتکب، بر یک قربانی آسیب‌پذیر یعنی سوءاستفاده از قدرت؛ لذا به کارگیری مفرط یا کاربرد نامناسب قدرت فیزیکی می‌تواند نتایج ناخواسته‌ای ایجاد کند؛ لذا سوءاستفاده از قدرت در معاونت یعنی: الگوی رفتاری توسط یک فرد (با قدرت فیزیکی بالا) با تحت سیطره قرار دادن قدرتش (بر فرد یا افرادی) که در جهت رسیدن به اهداف بر مجنی علیه از آن استفاده می‌کند و چون این نوع سوءاستفاده با استفاده از قدرت فیزیکی بر فرد و یا افراد تحت سلطه خود در جهت اعمال بر فرد موردنظر صورت گرفته بدان سوءاستفاده از قدرت در معاونت در جرم می‌گویند. «سوءاستفاده از قدرت» فیزیکی می‌تواند شامل: ضرب و شتم، ضربه زدن، لگدزدن، فشار دادن، تکان دادن یا پرتاب کردن، گاز گرفتن، خفگی و یا کشیدن مو و یا استفاده از نیروی بیش از حد در دست زدن (زهرچشم گرفتن) باشد؛ مثلاً فرد الف یا سوءاستفاده کننده از قدرت فیزیکی به فرد ب یک مشت می‌زند که اگر فلان کس را تحت نفوذ من درنیآوری پایت را می‌شکنم لذا به هر طریقی که باعث شود مجنی علیه احساس ناخوشایندی از نظر جسمی داشته باشد سوءاستفاده از قدرت فیزیکی در معاونت گفته می‌شود. می‌توان گفت که سوءاستفاده از قدرت در معاونت، اغلب نوعی خشونت است که بیشترین توجه را به خود جلب می‌کند. به‌عنوان مثال دارنده قدرت علیه زیردست دست به خشونت می‌زند تا سایرین از گستاخی دوری کنند. دولتی به دولت دیگر حمله نظامی می‌کند تا دولت هدف دستش بیاید، رئیس‌جمهوری پلیس ضد شورش را برای سرکوب یک تظاهرات به کار می‌گیرد تا جامعه هدف دستشان بیاید که

کار به این سادگی‌ها هم نیست. سوءاستفاده از قدرت فیزیکی علیه زنان ممکن است به شیوه‌های گوناگونی صورت گیرد، کتک زدن، شکنجه، قتل، این نوع سوءاستفاده از قدرت فیزیکی، به هر گونه رفتار غیر اجتماعی که جسم زن را مورد آزار قرار می‌دهد اطلاق می‌گردد.

۳-۲. «سوءاستفاده از قدرت» موقعیت

در مواردی سوءاستفاده کننده از موقعیت، نقض اعتماد را که مثلاً ناشی از رابطه پدر با قربانی است، مرتکب می‌شود. جایی که تقریباً او با اتکا به موضع والدین خود نسبت به قربانی، تخطی‌های خود را به اثبات می‌رساند، این عمل ممکن است به‌عنوان منعکس کننده سوءاستفاده از موقعیت (که یکی از موارد تشدید قدرت است) باشد. گاهی اوقات سوءاستفاده از موقعیت ممکن است در شرایطی رخ دهد که هیچ ارتباطی با اعتماد وجود نداشته باشد. مسلماً یک سرپرست محل کار ممکن است هیچ اعتمادی نسبت به یک زیردست نداشته باشد، اما هرگونه سوءاستفاده از اختیار او برای انجام عمل (مانند تجاوز) ممکن است یک وضعیت تشدیدکننده را در برداشته باشد. افرادی چون حاکم، ولی داور، وصی، قیم، امین،... حق ندارند از قدرت و موقعیت قانونی خود سوءاستفاده کنند و حق ندارند به حقوق افراد محجور تجاوز کنند، به‌عنوان مثال اشخاصی که در موقعیت اجتماعی بالایی قرار دارند، قدرت خود را از این منبع کسب می‌کنند، چراکه قدرت آن‌ها ناشی از مقام آن‌هاست و بدین وسیله از قدرتشان سوءاستفاده می‌کنند. در روابط خویشاوندی، سوءاستفاده از قدرت، به ترجیح دادن رابطه بر ضابطه، بی‌کفایتی بر شایسته‌سالاری و استخدام زنجیره‌ای و خانوادگی... در افراد صاحب قدرت می‌انجامد. سوءاستفاده از قدرت موقعیت، یعنی کسی که سمت یا قدرتی دارد و از سمت یا قدرت خود در ارتکاب جرم سوءاستفاده نماید؛ «اما مثال «سوءاستفاده از قدرت» موقعیت به‌عنوان معاونت، توصیه و سفارش استادکار است به کارگر خود که در محضر دادگاه به‌عنوان شاهد در حمایت از متهم چنین سخنانی بگو. شهادت کذب، کارگر هم به احترام سخنان بزرگان، عیناً مطالب دروغین را در دادگاه اظهار کند» (اردبیلی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۵).

۳-۳. «سوءاستفاده از قدرت» مالی

«سوءاستفاده از قدرت» مالی زمانی رخ می‌دهد که مرتکب بدون رضایت مجنی علیه، منابع

مالی فرد را کنترل کند یا این منابع را نادرست استفاده کند. این سوءاستفاده ناشی از مالکیت یا کنترل پول یا منابع دیگر است، به عنوان مثال فردی که با پرداخت یا وعده پرداخت، یا خودداری یا تهدید به خودداری از پرداخت پول یا سایر کالاها سبب سوءاستفاده از فرد یا افراد دیگر با استفاده از قدرت اقتصادی اش بر دیگران می شود. یا وقتی که مدیرعامل یک کارخانه با وعده پرداخت اضافه کار به کارکنان کارخانه، سبب شود که آن ها نهایت تلاششان را انجام دهند و ساعت ها اضافه کاری کنند ولی در عمل هیچ گونه مزدی به آنان پرداخت نشود و مدیرعامل آن ها را تهدید کند که در صورت اعتراض از کار اخراج خواهند شد. «افراد قدرتمند با استفاده از قدرت مالی دیگران را کنترل می کنند، سوءاستفاده مالی قدرتمندان از قدرت خویش در عرصه های اجتماعی و اقتصادی ...^۱ همیشه و در همه جوامع وجود داشته است. افراد بدان سبب مطابق خواست دیگران رفتار می کنند که آن رفتار به مزایا و منافع مثبت می انجامد، بنابراین کسی که بخواهد پاداش ها را توزیع کند او بر آن ها قدرت دارد و بدین وسیله از این کانال سوءاستفاده می کند. به عنوان مثال: اعمال کننده قدرت به طرف مقابل قول می دهد اگر با درخواست او موافقت کند، به او پاداش می دهد این گونه پاداش ها از هر نوعی می تواند باشد؛ ممکن است این پیشنهاد از پولی به عنوان رشوه گرفته تا پشتیبانی در انتخابات، یا از قول بستن یک قرارداد یا قول عدم اجرای مجازات پیشین باشد» (امامقلی زاده و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۱۰۸-۱۲۴) البته مشکل اصلی این نوع سوءاستفاده از قدرت یعنی پاداش دهی، عدم کنترل سوءاستفاده کننده از قدرت بر خیلی از مؤلفه های پاداش دهی است. برای مثال وعده افزایش حقوق به کارکنان، در اختیار مطلق هر مدیری نیست گاهی اوقات مرجع بالاتری وجود دارد و با این اقدام کم کم فرد منزلت اجتماعی اش را از دست می دهد هر چند ممکن است در ابتدا موجبات سوءاستفاده از عده ای را فراهم آورد ولی در نهایت، برش لازم را ندارد. سوء استفاده از قدرت مالی زمانی اتفاق می افتد که فرد خاطی سعی دارد با کنترل امور مالی زن، او را کنترل کند و بر زن برتری یابد. در چنین وضعیتی افراد خاطی تمام پول و دارایی زن را کنترل می کنند و اطلاعات مالی زن را از او مخفی نگه می دارند. معمولاً سوء استفاده های مالی در پی سوء استفاده های فیزیکی روی می دهد. سوء استفاده مالی از زن باعث می شود که نتواند با وجود اینکه قربانی خشونت است، رابطه خود را با فرد خاطی قطع کند زیرا زن همواره از این

۱. رشوه نیز نوعی «سوءاستفاده از قدرت» است که در قرآن با عناوین سخت و «باطل» که به مفهوم رشوه و اختلاس است به کار رفته است.

موضوع می‌تواند به تنهایی هزینه‌های مالی خود و فرزندانش را تامین کند.

۳-۴. «سوءاستفاده از قدرت» ایدئولوژیکی

در این نوع از سوءاستفاده، چون قدرت نهفته در ایدئولوژی است؛ لذا قدرت و ایدئولوژی، رابطه مستقیمی با یکدیگر برقرار می‌کنند، «ایدئولوژی به افراد یک جامعه این امکان را می‌دهد که موقعیت خود را بهتر تعریف نمایند و بهتر معنی و مفهوم آن را درک کنند. ایدئولوژی به آن‌ها می‌گوید که چرا و به وسیله چه کسانی استثمار شده‌اند، چرا عقب مانده هستند، چرا سفیدها خودشان را برتر می‌دانند، چرا باید تغییراتی را برای بهبود اوضاع مردم و جامعه ایجاد کرد و از این قبیل (<http://daneshnameh.roshd.ir>)». «مثلاً فرد از ایدئولوژی‌اش می‌تواند برای اعمال نظر و «سوءاستفاده از قدرت» استفاده کند و هر چه رابطه میان قدرت و ایدئولوژی بیشتر باشد احتمال «سوءاستفاده از قدرت» بیشتر است. باورهای ایدئولوژیکی ابتدا از طریق آموزش و آگاه‌سازی بر فرد یا افراد مسلط و سپس از طریق سوءاستفاده کننده از قدرت ایدئولوژیکی، بر مجنی علیه اعمال می‌شود. چنانچه فردی دارای یک پندار یا اعتقاد یا یک نظام فکری باشد که بدین وسیله ذهن را تسخیر کند یا دیگران را تحت تأثیر قرار دهد و نیازهای آنان را برآورده سازد او قادر خواهد بود که قدرتمند شود و لذا از این قدرت در پاره‌ای مواقع سوءاستفاده می‌کند» (Hicks, Herbert Ch. S. Golt, 1997, p.30) به‌عنوان مثال در «سوءاستفاده از قدرت» ایدئولوژیکی، سوءاستفاده کننده، مجنی علیه را از نظر اخلاقی و روانی قانع می‌کند که به خواسته‌اش که اعمال نظر، بر فرد مورد نظر است، دست بزند مثلاً کاری می‌کند که فرد از پندار و باوری که دارد برگردد و به پندار و باور، «سوءاستفاده کننده از قدرت» ایدئولوژیکی گرایش پیدا کند.

۳-۵. «سوءاستفاده از قدرت» اقتاعی

اقتناع فرایندی است که با توسل به تعقل و احساس در قالب مهارت‌های کلامی و غیرکلامی و رسانه‌ای، ذهنیت افراد را غالباً جهت تغییر رفتار و وادار کردن آن‌ها به عمل معینی، تحت تأثیر قرار می‌دهد. این فرایند هرچند در بردارنده ویژگی روان‌شناختی آزادی است و ترغیب‌شونده احساس می‌کند، موافق میل خود، اهداف و رهنمودهای تعیین شده را انجام می‌دهد، اما در واقع متضمن نوعی از فشار روانی است؛ که در مسیر ترغیب، میان منطق و استدلال منطقی به هیجان‌ها متوسل

می‌شود. در واقع، اقناع حد واسط میان منطق و استدلال و تهدید و تنبیه به‌شمار می‌رود (بینگنر، ۱۳۷۶، ص ۵۲).

لذا در این نوع از سوءاستفاده، سوءاستفاده کننده با خشنود گردانیدن فرد یا افراد به دنبال نفوذ در مخاطبان است به‌گونه‌ای که انگیزه ایجاد می‌کند تا مجنی علیه را به‌سوی رفتار، باور، عمل، یا حقیقتی هدایت می‌نماید در واقع هدف اصلی، انگیزه دادن به مخاطب است. این نوع سوءاستفاده از طریق تغییر عقیده اعمال می‌شود، ایجاد انگیزه و تبلیغ، آموزش و پرورش یا دیگر اقدامات مناسب اجتماعی که طبیعی و به‌حق جلوه می‌کنند موجبات تسلیم و رضایت افراد را به اراده شخص یا اشخاص دیگر فراهم می‌آورند و لذا بدین‌وسیله با استفاده از قدرت اقناعی ایجادشده، موجبات سوءاستفاده از قدرت در معاونت فراهم می‌شود؛ لذا می‌توان گفت که سوءاستفاده کننده از قدرت اقناعی، به‌نوعی از تلاش به اصلاح صادقانه برای مجاب ساختن مخاطبین به پذیرش موضوع و خواسته‌هایش به‌وسیله مناسب، دست به اقدام می‌زند و سوءاستفاده کننده به‌نوعی به دنبال نفوذ در مخاطب است تا در مجنی علیه نفوذ کنند. برای مجنی علیه در نگاه اول نیست خیر، سوءاستفاده کننده همچو؛ صداقت، منفعت، معقول بودن و منطقی بودن... نمایان می‌شود، اما درنهایت، مشخص می‌شود که با سوءاستفاده از قدرت اقناعی موجبات بزهدیده واقع شدن مخاطب، فراهم شده است. به‌عنوان مثال در سوءاستفاده از قدرت اقناعی در معاونت، سوءاستفاده کننده از قدرت، در مجنی علیه انگیزه ایجاد می‌کند و از طریق تغییر عقیده می‌کوشد تا اولاً در او نفوذ پیدا کند و ثانیاً باعث تغییر در عقیده‌اش می‌شود؛ مثلاً کاری می‌کند که با انگیزه‌ای که در فرد ایجادشده، موجب رضایت فرد به رفتار موردنظر، سوءاستفاده کننده از قدرت، شود.

۳-۶. «سوءاستفاده از قدرت» عاطفی

سوء استفاده از قدرت عاطفی تلاش برای کنترل به همان طریقی است که در سوءاستفاده جسمی فرد سعی می‌کند کنترل دیگری را به دست گیرد. تنها تفاوت این دو در این است که فرد آزارگر عاطفی از کتک، لگد، چنگ زدن، هل دادن و دیگر اشکال آسیب جسمی استفاده نمی‌کند. بلکه فردی که مرتکب این نوع سوءاستفاده می‌شود، احساسات را به‌عنوان سلاح خود انتخاب کرده است. به‌طور معمول، مرتکب این نوع رفتار نمی‌داند که چنین رفتاری دارد. در عوض، آگاه است که از عدم اطمینان از عشق همسرش به خود احساس ناامنی می‌کند؛ بنابراین احساس می‌کند

مجبور است همسرش را به خیانت متهم کند، او را برای غمهای خود سرزنش کند و دائما پیام‌ها و تماس‌هایش را چک کند. تهمت زدن، سرزنش و چک کردن دائم فرد نوعی سوء استفاده عاطفی از قدرت است (<https://simiaroom.com/blog>). بدرفتاری عاطفی یا روانی ضابطه‌مند به‌عنوان بخشی از ارتباط کلی، بین مراقب و کودک است و گاه‌به‌گاه والدین، مراقب و کودک، سوء رفتار عاطفی را در نظر نمی‌گیرند. سوء استفاده زمانی اتفاق می‌افتد که نیاز اساسی کودک برای توجه، مهربانی، تصدیق، ثبات و امنیت به دلیل ناتوانی یا بی‌تفاوتی والدین یا مراقب می‌باشد. سوء استفاده عاطفی نیز ممکن است اتفاق بیفتد، زمانی که بزرگسالانی که مسئول مراقبت از فرزندان هستند بی‌اطلاع هستند و (به دلایل مختلف) قادر به پاسخگویی به نیازهای عاطفی و رشد فرزندان‌شان نیستند. سوء استفاده عاطفی به‌راحتی قابل تشخیص نیست زیرا نشانه‌های آن به‌آسانی دیده نمی‌شود. یک نگرانی معقول برای رفاه فرزند وجود خواهد داشت زمانی که رفتار معمولی نسبت به رابطه فرزند و والدین یا مراقبین باشد. سوء استفاده‌های احساسی ممکن است در برخی از موارد دیده شود مانند طرد شدن، کمبود آسایش و عشق، فقدان دل‌بستگی، عدم تحرک مناسب، عدم تداوم مراقبت،^۱ عدم تقارن مداوم و تشویق، انتقاد مداوم، خصومت یا سرزنش فرزند، قلدری.

۳-۷. «سوء استفاده از قدرت» جنسی

سوء استفاده از قدرت جنسی مجبور کردن یک نفر به انجام رفتار جنسی است در صورتی که تمایلی به انجام آن ندارد. فردی که مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد توانایی مقاومت جسمی یا روحی را به دلایل مختلف مثل ترس از متجاوز، خانواده، ترس از آبروریزی ندارد. هم‌زمان و هم‌مردان ممکن است مورد سوء استفاده از قدرت جنسی قرار بگیرند، مجرم نیز می‌تواند از هر جنس یا گرایش جنسی باشد (<https://honarehzendegi.com/fa>)؛ لذا «سوء استفاده از قدرت» جنسی، طیف گسترده‌ای از تماس‌های جنسی شامل تجاوز جنسی، تجاوز به عنف، سرخوردگی و آزار و اذیت جنسی است. «سوء استفاده از قدرت» جنسی زمانی اتفاق می‌افتد که یک فرد برای لذت بردن یا تحریک خود یا دیگران از آن استفاده می‌کند، شامل افرادی است که در اعمال جنسی دخیل هستند (مانند استمناء، رابطه جنسی). سوء استفاده از قدرت جنسی در افراد ممکن است طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های سوء استفاده را پوشش دهد و به‌ندرت شامل یک حادثه واحد است در

۱. به‌عنوان مثال حرکت مکرر، به‌ویژه برنامه‌ریزی نشده است.

برخی موارد این روند بیش از چندین سال اتفاق می‌افتد. سوءاستفاده از قدرت جنسی اغلب در خانواده اتفاق می‌افتد، از جمله خواهر و برادر بزرگ‌تر و اعضای خانواده. سوءاستفاده از قدرت جنسی عمدتاً از طریق تهدید به افشای اسرار خواهر یا برادر و یا دوستان صورت می‌گیرد، مانند (لیسیدن، بوسیدن، یا مجبور شدن به رابطه جنسی در برابر تقاضای سوءاستفاده کننده از قدرت جنسی) و اغلب توسط فردی که بزرگ‌تر از بزه‌دیده است صورت می‌گیرد، نمونه‌هایی از سوءاستفاده از قدرت جنسی عبارت‌اند از: هر عمل جنسی که در حضور یک فرد انجام می‌شود، دعوت از افراد برای دست زدن یا لمس کردن عمدی یا تحریک بدن یک فرد به وسیله فرد دیگر یا جسمی به منظور تحریک یا رضایت جنسی، استمناء در حضور یک فرد یا دخالت یک فرد در عمل استمناء، مقاربت جنسی با یک فرد (از طریق دهان، واژن یا مقعد)، استمناء جنسی از یک فرد.^۱

سوءاستفاده از قدرت جنسی عمدتاً میان افرادی رخ می‌دهد که به سبب صمیمیت، ارتباط خونی یا قانونی به یکدیگر پیوند خورده‌اند. مثال عینی سوءاستفاده از قدرت جنسی، سوءاستفاده زوج، علیه زوجه با به کار گرفتن رفتارهایی است که از نظر جنسی خشونت‌آمیز هستند و به اعتبار زوج ممکن است سوءاستفاده از قدرت جنسی در یکی از اشکال همسر آزاری، ظهور و بروز پیدا کند. در قانون کیفری کشور ما، اعمال خشونت و تعرضات علیه اشخاص، قطع نظر از جنسیت بزه‌دیده یا محنی علیه قابل مجازات است و حمایت خاصی از زوجه در قبال جرائم خشونت‌بار در خانواده به عمل نیامده است. رابطه جنسی به عنف از سوی زوج در قوانین ایران جرم محسوب نمی‌شود و به آسیب روحی و جسمانی زوجه و اهانت به کرامت وی به هیچ‌عنوان توجه نشده است. سوءاستفاده از قدرت جنسی علیه زوجه به هرگونه رفتار باهدف کسب لذت جنسی که بدون رضایت زوجه صورت می‌گیرد (محدوده آن از لمس کردن بدن وی تا مقاربت را شامل می‌شود).

۱. که شامل موارد زیر است:

- الف) دعوت کردن، تحریک یا تحمیل یک فرد برای انجام فحشا یا تولید پورنوگرافی افراد [برای مثال، نمایش، مدل‌سازی یا نمایش دادن به منظور تحریک جنسی، لذت بردن یا عمل جنسی، از جمله ضبط آن (در فیلم، یا رسانه‌های دیگر) یا دست‌کاری برای آن اهداف، یک تصویر از طریق کامپیوتر یا سایر وسایل]
- ب) دعوت کردن، اجبار یا القا کردن یک فرد برای شرکت در فعالیت‌های جنسی، ناسنجیده یا ناخوشایند یا مشاهده آن‌ها.
- پ) نشان دادن مواد صریح جنسی به افراد که اغلب از این ویژگی‌های توسط مرتکبین سوءاستفاده جنسی می‌شود.
- ت) افشای راز فرد به موارد نامناسب و سوءاستفاده از آن از طریق فناوری اطلاعات و ارتباطات.

آنچه سبب اطلاق عنوان سوءاستفاده از قدرت جنسی در زوج می‌شود، فقدان رضایت زوجه است که در نتیجه آن، زوج به قدرت جنسی متوسل می‌شود؛ به بیان دیگر، هرگونه بدرفتاری و خشونت که نقطه ثقل آن موضوعات جنسی باشد، از مصادیق سوءاستفاده از قدرت جنسی محسوب می‌شود.

۳-۸. «سوءاستفاده از قدرت» اداری

در این نوع از سوءاستفاده، اشخاص بیرون از دستگاه‌های دولتی که در جهت همکاری با کارمندان دولت در زمینه‌ی نقض یا تغییر قوانین و ضوابط اداری برای نفع شخصی یا صنفی اقدام می‌کنند. اقدامات کارکنان سازمان‌های دولتی برای جلب منافع بیشتر برای خود، خویشاوندان و دوستانشان که از طریق نقض یا تغییر قوانین صورت می‌گیرد. یکی از پیامدهای سازمانی فساد اداری در دستگاه اداری، عدم رعایت ضوابط و اصول شایسته‌سالاری در استخدام‌ها، خدشه‌دار شدن حیثیت اجتماعی سازمان و تضعیف نظام ارزیابی هست. یکی از صاحب‌نظران، فساد اداری را «سوءاستفاده از قدرت» ارتشاء، اختلاس، کم‌کاری، کاغذبازی، اهمال و دیوان‌سالاری تعریف نموده است (پورکیانی، ۱۳۹۰، ص ۷۶) یکی از این موارد سوءاستفاده از مقام و موقعیت اداری موضوع مواد ۵۷۶ و ۵۸۱ قانون تعزیرات مجازات اسلامی می‌باشد. «از پیامدهای دیگر فساد، نهادینه کردن نفوذ غیرقانونی گروه‌های سیاسی هست فساد به یک فرهنگ تبدیل شده است دیگرکسی به قبح و نادرستی کارش نمی‌اندیشد، زیرا از یک سو می‌بیند که همین‌طور رفتار می‌کنند و از سوی دیگر از او انتظار دارند چنین رفتار کنند» (رفیع‌پور، ۱۳۸۸، ص ۴۹) در رابطه کاری، فساد، از پیامدهای سوءاستفاده از قدرت است که می‌تواند به عواملی همچون کاهش رشد اقتصادی، کاهش درآمدهای دولت، ایجاد مقررات دولتی غیر اثربخش، پایمال شدن حقوق افراد و درکل معاف شدن افراد از مجازات می‌انجامد.



نتیجه

با جمع بندی نتایج حاصله می توان گفت که؛ موضع مقنن ایران تا قبل از سال ۱۳۹۲ مبنی بر عدم پذیرش «سوء استفاده از قدرت» در معاونت است. در عین حال در این دوران، در برخی قوانین متفرقه جزایی، به تصویب مقنن ایران رسیده است و در موارد خاصی پذیرفته شده است. مصادیق معاونت در حقوق ایران از بدو قانونگذاری حصری بوده، هر چند در قوانین مختلف این مصادیق با تغییراتی همراه بوده است، بدیهی است این امر به معنای پذیرش کلی آن نیست. بلکه این قوانین صرفاً در محدوده خاص خود قابل اعمال است. «سوء استفاده از قدرت» در بحث معاونت به علت نقش و تأثیرات منفی زیادی که بر قربانیان جرم دارد همواره مورد توجه دولت ها و نهادهای بین المللی قرار گرفته است لذا تلقی بیشتر قوانین از مفهوم «سوء استفاده از قدرت»، سوء استفاده از آن در جهت اهداف شخصی و به نفع خود است. در ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ «سوء استفاده از قدرت»، همان نفوذ معنوی فرد بر دیگری است که به عنوان یکی از مصادیق معاونت وارد شده است، به طور مثال، اگر مافوق یا فردی که دارای نفوذ بر دیگران است با «سوء استفاده از قدرت» خود، حتی بدون آنکه تحریکی یا تهدیدی کند، موجب وقوع جرم بر دیگری گردد تحت عنوان معاون قابل تعقیب است. البته شناخت دقیق این عنوان

جدید ماکول به ایجاد رویه قضایی در خصوص آن است و نباید فراموش کرد که قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با شفاف کردن بعضی ابهامات نسبت به قوانین سابق منطقی تر عمل کرده است. در کل، هنگامی از قدرت سوء استفاده می‌شود که برای استفاده از هدف‌های نامشروع، خودسرانه و غیرقانونی به کار رود؛ لذا برخورد مناسب و مؤثر با سوء استفاده کنندگان از قدرت، مستلزم تعریف دقیق از این مفهوم و تعیین قلمرو مفهومی آن است. مصادیقی از سوء استفاده که شامل (سوء استفاده فیزیکی، اداری، جنسی، عاطفی، اقماعی، ایدئولوژیکی، مالی و سوء استفاده از قدرت موقعیت) در این نوشتار مورد بررسی قرار گرفته است که قطعاً در شرایط تحقق با سوء استفاده از قدرت در معاونت تفاوت‌هایی دارد که لازم است به تفاوت‌های موجود و شرایط تحقق و همچنین در رفتار مادی (فعل یا ترک فعل) توجه شود و نباید هرکدام به جای دیگری به کار برده شود بلکه شرایط تخصصی هرکدام باید لحاظ گردد.

پیشنهاد

خلق عنوان مجرمانه کلی مانند «سوء استفاده از قدرت» در معاونت در ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، بدون درج چهارچوب مشخص و غیر معین در ذیل آن از ویژگی‌های قانونگذاری غیرعلمی است؛^۱ لذا در جهت نیل به مقصود قانونگذاری علمی باید اشکال مختلف آنکه به شرح ماده پیشنهادی در بند ۲ آمده است این خلأ را برطرف نمود؛ لذا:

- در سوء استفاده از قدرت در معاونت در جرم، باید اشکال مختلف آن، مطرح گردد، البته نباید فراموش کرد که شرایط تحقق هرکدام از موارد هشت‌گانه متفاوت از دیگری است و نباید هرکدام به جای دیگری به کار برده شود.

- شایسته است مقنن به منظور مرتفع ساختن خلأ، در قلمرو مفهومی «سوء استفاده از قدرت» در معاونت، با الهام از کشورهای پیشرو، تعریف جامعی از سوء استفاده از قدرت ارائه کند.

- در خصوص اشکالات ناظر به قانونگذاری شایسته است مقنن با الحاق یک بند در ذیل ماده

۱. اگرچه قانونگذار در موقع تنظیم قانون سعی می‌نماید با به بردن کلمات و جملات صریح و روشن مقصود خود را بیان نماید تا مفاد قانون بر کلیه مصادیق و موارد و اشباه و نظایری که مورد توجه او بوده صادق باشد، با وجود این گاهی قانون از وضوح و صراحت لازم برخوردار نبوده و ناقص و مجمل و مبهم تنظیم می‌شود و در مواردی نیز قانون قادر به پیش بینی همه مسائل نبوده و ساکت است. در این صورت، مجریان قانون و محققین ناگزیر از تفسیر قانون می‌باشند. تفسیر یک قانون یعنی جستجوی مفهوم صحیح آن به نحوی که بتوان آن را به شکلی درست در مورد هر حالت خاص اجرا کرد، اما این مطلب نباید موجب آن شود که تفسیر توسعه پیدا کند.

۱۲۶، به شرح زیر، خلأ ذکرشده را مرتفع سازد:

- شایسته است مقنن در مقام احصاء موارد «سوءاستفاده از قدرت» در معاونت، بدون توجه به عملکرد قانونگذاران قبلی، به صورت واقع بینانه، جرم «سوءاستفاده از قدرت» در معاونت را با ملاحظه مصالح جامعه و فرد، مورد بازنگری اساسی قرار دهد و کارکرد خاص هر یک از مصادیق پیشنهادی را تشریح و با بررسی و تصویب مصادیق در مجلس شورای اسلامی، به خلأ قانونی موجود پایان دهد.

- با توجه به موارد ذکرشده در بالا، جهت بازنگری در قانون مجازات اسلامی پیشنهاد می شود در بخش کلیات قانون مجازات اسلامی، یک فصل آن را به بحث معاونت و سوءاستفاده از قدرت و سایر مصادیق اختصاص دهند و قواعد عمومی و مفاهیم مرتبط با آن را بیان کنند، قلمرو مفهومی آن را مشخص کنند و این خلأ در قانونگذاری جبران شود. امید است که در بازنگری این پیشنهاد ارشادی مدنظر قرار گیرد.

لذا متن پیشنهادی به مقنن چنین است:

- هر شخصی که با سوءاستفاده از قدرت (در تمام اشکال آن) دستوراتی را برای ارتکاب جرم یا تخلف صادر کند، معاون در جرم سوءاستفاده از قدرت شناخته می شود. این دستورات که از جانب سوءاستفاده کننده از قدرت با هر یک از اشکال صورت می گیرد باید، به نتیجه مورد نظر او منتج گردد لذا، توصیه یا پیشنهاد ساده قابل مجازات نیست. اشکال مختلف سوءاستفاده از قدرت در معاونت، شامل: سوءاستفاده از قدرت فیزیکی، موقعیت، مالی، ایدئولوژیکی، اقناعی، عاطفی، جنسی و سوءاستفاده از قدرت اداری، می باشد.

بند ۱ - سوءاستفاده از قدرت در معاونت در جرم یعنی شخص یا اشخاصی با استفاده از یکی یا چند نوع از قدرت های فیزیکی، موقعیت، مالی، ایدئولوژیکی، اقناعی، عاطفی، جنسی و اداری، در جهت نیل به هدف های نامشروع، خودسرانه و غیرقانونی سبب شود تا مجنی علیه دست به ارتکاب جرم بزند.

بند ۲ - در جرائمی که رئیس اداره یا سازمان دولتی... (که از بودجه عمومی استفاده می کنند و با استفاده از قدرت سبب «سوءاستفاده از قدرت» در معاونت می شوند) مرتکب جرم می شوند، مجازات شدیدتری در نظر گرفته می شود.

منابع

۱. آخوندی، محمود؛ آیین دادرسی کیفری؛ چ ۱۹، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۹۰.
۲. آشوری، محمد؛ حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت؛ تهران: نشر دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب؛ چ ۲، بیروت: انتشارات دار إحياء التراث العربی، ۱۴۱۴ق.
۴. اردبیلی، محمدعلی؛ حقوق جزای عمومی؛ ج ۲، چ ۳۵، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۳.
۵. اصغری، حامد؛ سوءاستفاده از قدرت در حقوق کیفری ماهوی ایران (پایان نامه کارشناسی ارشد)؛ تبریز: دانشکده حقوق و علوم اجتماعی تبریز، ۱۳۹۵.
۶. اصغری، عبدالرضا و قدرت الله رضانی؛ «معاونت در جرم از منظر فقه و حقوق جزای ایران، افغانستان و مصر»، مجله قضاوت؛ ش ۹۰، تابستان ۱۳۹۶، ص ۵۱-۷۲.
۷. افجه، سیدعلی اکبر؛ رهبری سازمانی؛ تهران: انتشارات سازمان مدیریت صنعتی، ۱۳۹۰.
۸. افشاری، فاطمه؛ «مرجع صالح رسیدگی به سوءاستفاده از اختیارات مقام اداری - بررسی موردی تخلف اخفا و معدوم نمودن اسناد و مدارک دولتی توسط مقام اداری»، فصلنامه رأی: مطالعات آرای قضایی؛ ش ۶، بهار ۱۳۹۳، ص ۱۷-۳۲.
۹. امامقلی زاده، سعید و صمد امامقلی زاده؛ «بررسی رابطه بین قدرت سیاسی و فساد اداری و ارائه راهکارهای مناسب برای مبارزه با آن از دیدگاه مدیریت اسلامی»، پرتال جامع علوم انسانی؛ ش ۷۸، زمستان ۱۳۹۲، ص ۱۰۸-۱۲۴.
۱۰. انصاری، مرتضی؛ المکاسب؛ ج ۱، قم: منشورات دارالذخائر، ۱۴۱۱ق.
۱۱. ایمانی، عباس؛ اصطلاحات حقوق کیفری؛ تهران: نشر آریان، ۱۳۸۲.
۱۲. بلوایی، ابراهیم؛ «بررسی مفهوم معاونت در جرم در ایران و رسیدن به مفهومی دقیق از این جرم»، پنجمین همایش ملی فقه، حقوق و علوم جزا؛ ۱۳۹۶، ص ۱۱-۱.
۱۳. بینگلر، اتولر؛ ارتباطات اقناعی؛ ترجمه علی رستمی؛ تهران: صدا و سیمای جمهوری

- اسلامی ایران (مرکز تحقیقات مطالعات و سنجش برنامه‌ای)، ۱۳۷۶.
۱۴. پورکیانی، مسعود، افلاطون امیری و مرتضی خادمی؛ سلامت سازمانی فساد اداری و شایعه؛ کرمان: مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان، ۱۳۹۰.
۱۵. جی. دبلیو، بجزورکمن؛ «مفاهیم کنترل: قدرت، نفوذ، اختیار»، ترجمه: مرتضی مرتضوی و کیومرث مکانی، فصلنامه تحول اداری؛ ش ۳۴، زمستان ۱۳۸۰، ص ۱۰۵-۸۷.
۱۶. حاجی ده‌آبادی، احمد؛ «شرکت در جرم در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، فصلنامه حقوق اسلامی؛ ش ۵۰، پاییز ۱۳۹۵، ص ۳۶-۷.
۱۷. خویی، سیدابوالقاسم؛ مصباح‌الفقهاء؛ ج ۱، قم: نشر الفقاهه، ۱۴۲۰ق.
۱۸. دادخدایی، لیلا؛ فساد مالی- اداری و سیاست جنایی مقابله با آن، با تکیه بر کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با آن؛ تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۰.
۱۹. رایجیان اصلی، مهرداد؛ «جرم‌انگاری سوءاستفاده از قدرت با محوریت مفهوم نسل‌زدایی و بزه‌دیدگی آن از دیدگاه حقوق جنایی بین‌الملل»، مجله تحقیقات حقوقی؛ ش ۶۸، تابستان ۱۳۹۱، ص ۲۵۴-۲۲۷.
۲۰. رایجیان اصلی، مهرداد؛ جرم‌انگاری سوءاستفاده از قدرت در پرتو تعامل نظام حقوق بشر و حقوق کیفری (رساله دکتری)؛ تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۵.
۲۱. رفیع‌پور، فرامرز؛ سرطان اجتماعی فساد؛ ج ۲، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۸.
۲۲. رهبر، فرهاد، غلامرضا زال‌پور و فضل‌الله میرزاوند؛ بازشناسی عارضه فساد مالی: ماهیت، گونه‌ها، پیامدها و آموزه‌های تجربی؛ ج ۱، تهران: جهاد دانشگاهی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.
۲۳. طاهری‌نسب، سیدیزدالله؛ تقریرات حقوق جزای عمومی؛ www.khouzestanbar.ir.
۲۴. عالم، عبدالرحمان؛ بنیادهای علم سیاست؛ ج ۱۹، تهران: نشر نی، ۱۳۸۹.
۲۵. عمید، حسن؛ فرهنگ عمید؛ ج ۳۸، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۰.
۲۶. فتاحی، حبیب‌الله؛ ابعاد حقوقی مبارزه با فساد، طرح آموزش بازرسان افتخاری، سازمان بازرسی کل کشور؛ تهران: نشر اداره کل توسعه منابع انسانی (www.gio.ir)، ۲۰۰۳م.
۲۷. کریم جوزانی، مریم؛ مفهوم صلاحیت تشخیص و چگونگی کنترل آن در حقوق اداری (رساله کارشناسی ارشد)؛ تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، ۱۳۹۰.

۲۸. لوتومی، لورنس و پاتریک کول؛ دفاتر قانون عمومی جنایی فرانسوی؛ ترجمه محمود روح‌الأمینی؛ تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۷.
۲۹. محسنی، مرتضی؛ دوره حقوق جزای عمومی (پدیده جنائی)؛ ج ۲، تهران: گنج دانش، ۱۳۷۵.
۳۰. معین، محمد؛ فرهنگ فارسی متوسط؛ تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۲.
۳۱. موری، سِر جیمز آگوستوس هنری؛ دیکشنری آکسفورد؛ انگلستان: انتشارات دانشگاه آکسفورد، ۱۹۸۹ م.
۳۲. میرمحمدصادقی، حسین؛ جرایم علیه اشخاص؛ تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۲.
۳۳. نجابت‌خواه، مرتضی؛ «مفهوم سوء استفاده از اختیارات در نظام حقوقی کامن‌لا»، نشریه حقوق و مصلحت؛ ش ۵، زمستان ۱۳۸۸، ص ۸۷-۱۱۱.
۳۴. الوانی، سیدمهدی و منوچهر جفره؛ «ارائه یک الگوی نظری برای کنترل و مهار فساد اداری»، اقتصاد و مدیریت؛ ش ۳۶، زمستان ۱۳۷۶، ص ۸۷-۱۰۹.
۳۵. ولیدی، محمد صالح؛ بایسته‌های حقوق جزای عمومی؛ تهران: انتشارات خورشید، ۱۳۸۲.
36. Beirstedt, R, "An Analysis of Social Power" American Sociological Review, No. 15, 1950, pp. 730 - 736.
37. Garner, Bryan A. "Black s law Dictionary. U. S. A", Thomson West, 2004, P. 10.
38. Herbert G. Hicks and C. Ray Gullett, "The Management of Organizations", Volume II, chapter 12, Published, McGraw Hill, Eric Fromm, New York, Publishing Duran, 1955.
39. Hilaire, Barnett, "Constitutional and Administrative Law London, Rou and Administrative tledge Cavendish, edition" 2007. Website: www. Cavendishpublishing. com
40. Rabbins, Stephen, "Organizational Behavior", first edition, published, London, Publisher name, Prentice Hal International,

1991.

41. Rogers, M. F, measures of family power", American, Journal of Personality and Social Psychology, No. 27, 1973, 6 - 12.
42. "Set from Grolier Educational a Division of Scholastic", Encyclopedia Americana (International Edition), 30 Volume 8 No. Amazon Press, 2001.
43. Michael A. Hitt, Adrienne Colella, C. Chet Miller, "Organizational behavior: A strategic approach", second edition, Place of publication NY, Publisher name John Wiley & Sons, 2009.